

نمودهای سوررئالیستی در شعر جنگ

بر مبنای آثار پنج شاعر مقاومت

(علیرضا قزوه، قیصر امین پور، سلمان هراتی، احمد عزیزی و طاهره صفارزاده)

فرنگیس شاهرخی^۱

مه‌دخت پورخالقی چترودی^۲

فرزاد قائمی^۳

اسماعیل صادقی^۴

چکیده

سوررئالیسم یکی از مکاتب ادبی قرن بیستم است که در فرانسه پا گرفت و هدف از آن بیان احساس و اندیشه‌ی خالص و ارائه‌ی تخیلات آزاد است. از آن جایی که سوررئالیسم در پی جنگ جهانی اول و صدمات ناشی از آن و به دلایل مختلفی؛ از جمله بیان تشویش‌های حاصل از جنگ، نابرابری‌های اجتماعی و قدرت امپریالیسمی و به عنوان مأمونی برای زندگی مردم رخ نمود، این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود که آیا اشعار دفاع مقدس که در زمان جنگ و بعد از آن به نگارش درآمده‌اند نیز، دارای ویژگی‌های سوررئالیستی است یا خیر؟ در مقاله‌ی پیش رو، به تحلیل، نمودهای مکتب سوررئالیسم در شعر جنگ با تکیه بر آثار پنج شاعر برجسته‌ی مقاومت، پرداخته شد و این نتیجه به دست آمد که برخی از ویژگی‌های مکتب سوررئالیسم، نظیر: نگارش خودکار، طنز و کنایه، عشق و جنون و مستی، تخیل و وهم، رؤیا، وحشت و هراس و اضطراب، ابهام، تصاویر عجیب سوررئالیستی، اشیای سوررئالیستی و غم و اندوه در شعر جنگ بازتاب داشته است.

واژه‌های کلیدی: سوررئالیسم، علیرضا قزوه، قیصر امین پور، سلمان هراتی، احمد عزیزی، طاهره صفارزاده.

۱. دانشجوی دوره‌ی دکتری دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، (نویسنده‌ی

مسئول) f.shahrokhi10@yahoo.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی dandritic2001@yahoo.com

۳. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی haemi farzad@gmail.com

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد masadeghiesma@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶

۱- درآمد

سوررئالیسم به معنای گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر محصول تغییرات بعد از جنگ جهانی اول و فراموشی داداییسم بود که از سال ۱۹۲۰ در فرانسه در زمینه‌ی ادبیات و هنر به وجود آمد. در سوررئالیسم هدف هنرمند این است که یک واقعیت تازه و مطلق در بیاورد، به عبارت دیگر واقعیت و رؤیا را به هم بیامیزد و «واقعیتی برتر از واقعیت» بیافریند. نمی‌توان درباره‌ی سوررئالیسم جدا از موقعیت تاریخی آن که فاجعه‌ی جنگ جهانی اول را در پشت سر دارد قضاوت کرد. هنرمندان و نویسندگان پیشرو که مستقیماً در جنگ شرکت جسته بودند و یا در حاشیه‌ی آن قرار داشتند دیگر حاضر نبودند که دوباره به ارزش‌های تمدنی برگردند که جنگ آن‌ها را بی‌اعتبار کرده و یا به طور کلی نابود ساخته‌است (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۷۸۴-۷۸۵). از همین رو نویسندگان و شاعران، مکتب ادبی سوررئالیسم را به مثابه‌ی پناهگاهی برای رهایی از تبعات ویرانگر جنگ پایه‌ریزی کردند تا با روی آوردن به فراواقع‌نمایی مسائل، راه‌گزینی برای رهایی از اندوه ناشی از صدمات جنگ بیابند. به نظر می‌رسد، برخی شاعران جنگ نیز خواسته یا ناخواسته، ویژگی‌هایی از این شیوه سخن‌پردازی را در اشعار خود منعکس کردند و چگونگی بیان تبعات و صدمات جنگ در اشعار آنان، شباهت‌ها و قرابت‌هایی با این مکتب اروپایی یافته‌است.

۱-۱- بیان مسأله

با در نظر گرفتن تأثیر جنگ جهانی اول در پایه‌ریزی مکتب سوررئالیسم و انعکاس صدمات ناشی از جنگ در ادبیات و هنر سوررئالیستی، در این مقاله، شعر پنج شاعر شاخص پایداری (علیرضا قزوه، قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، احمد عزیزی و طاهره صفارزاده) براساس مؤلفه‌های مکتب سوررئالیسم مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه با عنوان اصول مکتب سوررئالیسم در شعر جنگ در این پژوهش خواهد آمد، با توجه به تفاوت‌های مبنایی جنگ ایران و عراق با جنگ جهانی اول در اروپا، دارای نقاط اختلافی با سوررئال غربی است که در

متن نوشته به آن اشاره خواهد شد. علاوه بر این، برخی از اصول مکتب مورد بحث، از جمله: پوچی و بی‌معنایی و غریزه‌گرایی به دلایل اعتقادی یا به دلیل تفاوت فرهنگ و تمدن جامعه‌ی ایران با کشورهای اروپایی در شعر جنگ بازتاب نیافته است که در اثنای تشریح اصول مکتب ادبی سوررئالیسم به این مسأله نیز اشاره شده است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

پیشتر گفته شد که سوررئالیسم در پی مسائل بسیاری از جمله وقوع جنگ جهانی اول و صدمات ناشی از آن و به قصد بیان تشویش‌های حاصل از جنگ و به عنوان مأمونی برای زندگی مردم رخ نمود؛ به همین سبب، بررسی قرابت اثرگذاری جنگ تحمیلی ایران و عراق و جنگ جهانی اول در شعر برآمده از دوران جنگ و بعد از آن، موضوعی است گسترده که تحلیل تمام جنبه‌های آن و به طور اخص جلوه‌های مکتب سوررئالیسم، از ضروریات شناخت ژرف ساخت شعر جنگ و ساختار اندیشگی شاعران سرآمد آن به نظر می‌رسد.

۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی سوررئالیسم و بررسی آثار و اشعار شاعران گذشته و معاصر براساس مؤلفه‌های این مکتب ادبی پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله: مقاله‌ی غموض و شعر سوررئالیستی و سمبولیک عربی (حسین ابویسانی، ۱۳۸۹). نویسنده در این مقاله به بررسی ویژگی غموض و تفاوت آن با ابهام در شعر سوررئالیستی و نیز تحلیل نمونه‌هایی از شعر غامض عربی پرداخته است. مقاله‌ی سوررئالیسم و مقالات شمس تبریزی (عصمت اسماعیلی و منا علی مددی، ۱۳۸۵) به بررسی جلوه‌هایی از مکتب سوررئال در مقالات شمس تبریزی اختصاص یافته است. نویسنده‌ی مقاله‌ی تأثیرپذیری و الهام‌گیری سوررئالیسم از ادبیات عرفانی با بررسی تقابلات بین آن‌ها (ویدا دستمالچی و رحمان مشتاق مهر، ۱۳۹۱)، تشابهات و روابط نزدیک بین عرفان و سوررئالیسم و ورود عرفان در زندگی عملی عرفا را مطرح می‌کند و سپس به بیان تفاوت بین پویایی و

رشد و تکاملی که عرفان به زندگی عرفا بخشیده و سوررئالیسم به دلیل کناره گرفتن از صحنه‌ی زندگی واقعی، از آن محروم است، می‌پردازد. محبوبه حیدری نویسنده‌ی مقاله‌ی خواب و رؤیا در بوف کور بر مبنای مکتب سوررئالیسم (۱۳۸۵)، درباره‌ی عنصر خواب و رؤیا که از اصول مکتب سوررئالیسم است و تطبیق آن با خواب‌های راوی در داستان بوف کور سخن گفته است. در مقاله‌ی تشابهات صوری ادبیات سوررئالیستی در تذکره‌الاولیای عطار (مریم خلیلی جهانتیغ و فاطمه تیموری فتوحی، ۱۳۹۱)، نویسندگان به تفسیر نشانه‌هایی از اصول مکتب سوررئالیسم؛ از جمله طنز و هزل، جادو و کرامات، خواب و رؤیا و نگارش خودکار در تذکره‌الاولیای عطار پرداخته‌اند. نویسنده‌ی مقاله‌ی سوررئالیسم در حکایت‌های صوفیانه (علیرضا اسدی، ۱۳۹۱) می‌کوشد با اتساع ایده‌ی تودورف و با استفاده از ملاک‌های طبقه‌بندی او، ژانر داستان سوررئالیستی را به‌عنوان یکی از انواع فراواقعی معرفی و تشریح کند و سپس به تطبیق این نظریه با حکایت‌های منثور عرفانی ایرانی بپردازد.

مقالات دیگری نیز درباره‌ی سبک ادبی سوررئالیسم انجام شده است؛ اما پژوهش مستقلی با موضوع سوررئالیسم و جلوه‌های آن در شعر جنگ صورت نگرفته است و همین نکته، لزوم پرداختن به این موضوع را نمایان می‌کند.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- معنی لغوی و اصطلاحی سوررئالیسم

اصطلاح سوررئالیسم^۱ از دو جزء اساسی «سور»^۲ به معنی روی، بر فراز و بالا و «رئال»^۳ به معنی حقیقت، چیز واقعی، صحیح و حقیقی ترکیب شده است. سوررئالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است. فراواقع‌گرایی یا سوررئالیسم به انگلیسی، یکی از جنبش‌های معروف هنری در قرن بیستم بود.

1- Surrealism

2- Sur

3- Real

آندره برتون^۱ در سال ۱۹۲۴ بیانیه‌ی سوررئالیسم را منتشر و سرانجام سوررئالیسم را چنین تعریف کرد: «خودکاری خالص روانی که منظور از آن عبارت است از فراگرد واقعی اندیشه به طور شفاهی یا مکتوب یا هر نحو دیگر یعنی تقریر اندیشه، فارغ از هر گونه ملاحظه‌ی اخلاقی یا جمال شناسی» (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۲۸). برتون می‌گوید: «مکتب ادبی و هنری سوررئالیسم به دنبال مکتب داداییسم در فرانسه پا گرفت. سوررئالیسم در زبان فرانسه به معنای "در ورای واقعیت" و "پشت واقعیت" است. این اصطلاح را گیوم آپولینر^۲ شاعر فرانسوی به کار برد اما بیانیه‌ی سوررئالیسم توسط شاعری به نام آندره برتون در سال ۱۹۲۴ منتشر شد» (داد، ۱۳۷۱: ۱۷۴).

۲-۲- سوررئالیسم در ایران

برخی از عناصر و اصول سوررئالیسم هم در ادبیات کهن ایران و هم در ادبیات معاصر دیده می‌شود. «هزار سال پیش از آندره برتون و یارانش، صوفیان مسلمان در نگارش‌های شورانگیز و مستانه‌ی خود به همان سبکی نوشته‌اند که سوررئالیست‌های فرانسه در آغاز قرن بیست اصول آن را تبیین کردند. شطحیات صوفیان و کشف و شهودها و گزارش واقعات و رؤیاهای صوفیانه در تاریخ تصوّف اسلامی کم نیست» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۰۰). گذشته از سروده‌های زرتشت در متون عرفانی شباهتهایی با آثا سوررئالیستی دیده می‌شود. در بسیاری از آثار ادبی گذشته‌ی ایران، از جمله کشف الاسرار، فتوحات مکیّه، غزلیات مولوی، مقالات شمس، تذکره الاولیای عطار و ... کارکرد اعجاب انگیز سوررئالیسم را می‌توان دید. یکی از مشخصه‌های سوررئالیسم، استفاده از ایماژهای نامتناجس است که مصداقش، شعر کهن فارسی است. «تصاویر شاعرانه‌ی سروده‌های زرتشت تصاویر عادی و معمولی حاصل از تشبیه و یا حتی استعاره‌های تک وجهی نیستند؛ این تصاویر همان طور که آندره برتون عقیده دارد نمی‌تواند از مقایسه تولد یابد اما می‌تواند از نزدیک شدن دو واقعیت

^۱ - Andre Breton

^۲ - Guillaume Apollinaire

نزدیک به هم، ولی کم و بیش دور از هم تولد یابد» (حسنی، ۱۳۷۴: ۵۴۳). در تحلیل این شباهت‌ها می‌توان به تشابهات بین شطح‌گویی عارفان و نگارش خودکار سوررئالیست‌ها، مستی و سکر عارفان و سکر مصنوعی سوررئالیستی، شیوه‌های رسیدن به حقیقت درونی و زمینه‌های اجتماعی نسبتاً مشترک یا مشابه اشاره کرد (مشتاق مهر، ۱۳۸۹: ۱۸۴).

در شعر معاصر از شعر سمبولیک نیما تا اشعار سهراب سپهری، احمد رضا احمدی، شمس لنگرودی، کامران عالی‌پور، بهزاد خواجهات، ابوالفضل پاشازاده، علی عبداللهی و بسیاری از شاعران امروزی، عناصر سوررئالیسم به ویژه تخیلی سوررئالیستی و بسیار نیرومند دیده می‌شود.

سوررئالیسم علاوه بر شعر، در ادبیات داستانی معاصر ایرانی نیز نمود داشته است. شاخص‌ترین آثاری که در زبان فارسی تحت تأثیر مکتب سوررئالیسم نگاشته شد، بوف کور و سه قطره خون، نوشته‌ی صادق هدایت بوده است. هوشنگ ایرانی، یدالله رویایی و احمد رضا احمدی نیز آثاری در این زمینه پدید آورده‌اند.

۳-۲- اصول سوررئالیسم (فرا واقع‌گرایی)

سوررئالیسم، شعار سعادت بشری را دارد و می‌خواهد آدمی را از قید تمدن سودجوی کنونی نجات بخشد، در عین این‌که بازگشت به گذشته را هم نمی‌پذیرد. در اصل از مواد مرام‌نامه‌ی این مکتب به خوبی می‌توان دریافت که بنیانگذاران این مکتب در اندیشه‌ی رهایی از هر نوع اسارتند و هدف آنان در وهله‌ی اول پاشیدن آبی بر جنگ بوده است. اصول سوررئالیسم عبارتند از: واقعیت و رؤیا، نگارش اتوماتیک، پوچی و بی‌معنایی، ناکامی دائم، طنز، جذب، جنون و تحذیر، اشتیاق به امر شگفت و جادو، باور به تصادف عینی (هم‌زمانی حیرت‌آور)، اشیای سوررئالیستی، کشف و شهود، یأس و ناامیدی، نفی زمان و مکان، غریزه‌گرایی، عقل‌گریزی، ترسیم صحنه‌ها و تجارب وهم‌آلود، زیبایی‌شناسی‌آور، نقطه‌ی علیا و انقلاب دایم.

۳- تجزیه و تحلیل

۳-۱- عناصر سوررئالیستی شعر جنگ

۳-۱-۱- خواب و رؤیاگرایی

هدف سوررئالیسم بیان احساس و اندیشه‌ی خالص است؛ به طوری که هیچ‌گونه زمینه‌ی فکری قبلی و یا وابستگی ذهنی و یا تعصب و هیچ‌گونه ملاحظه‌ی اخلاقی و یا قواعد هنری و زیبایی‌شناسی آن را برنینگخته باشد و در آن تأثیر نکند. به عبارت دیگر ارائه‌ی تخیلات آزاد و بی‌قید و بند بدان گونه که در وقت خواب دیدن ممکن است. اساس کار سوررئالیست‌ها، تداعی آزاد معانی و افکار است. توالی اتفاقی حوادث و یادآوری خاطره‌ها آن گونه که در خواب پیش می‌آید، شیوه‌ی اساسی کار آنان در امر نوشتن بود. به همین منظور، با برانگیختن ضمیر ناخودآگاه به طور طبیعی یا مصنوعی و آزاد گذاشتن بی‌هدف ذهن، دست به کار نوشتن می‌زدند. زمانی که انسان به خواب می‌رود حواس ظاهری او تعطیل می‌شود و ضمیر ناخودآگاه آغاز به فعالیت می‌کند. فعالیت ضمیر ناخودآگاه در چنین حالتی در ذهن به صورت خواب و رؤیا جلوه می‌کند به همین دلیل در مکتب سوررئالیسم آنچه در خواب به وقوع می‌پیوندد، دارای همان ارزش وقایع زمان بیداری است. «برای هنرمند سوررئالیست رؤیا یکی از وسایل معرفت و شناخت و یکی از فعالیت‌های الهام بخش ذهن به شمار می‌آید. به موجب این معرفت دنیای جدیدی کشف می‌شود» (داد، ۱۳۷۱: ۱۷۵).

در اشعار جنگ نیز بسیاری از اتفاقات شگفت‌انگیز در خواب و یا در مرز خواب و بیداری رخ می‌دهد و خواب منبع الهام و سرچشمه‌ی شناخت و کشف شگفتی‌های عالم فراواقعیت می‌شود. بیان اموری که در عالم واقعیت امکان ظهور ندارد، مانند: آنچه در بیت زیر آمده است:

دیشب دو چشم پنجره در خواب می‌خزید

امشب سکوت پنجره پایان گرفته است

(هراتی، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

عزیزی نیز سبب بیان تصاویر غریب و خلاف طبیعت در شعر خود را رؤیا زدگی
شعرش می‌داند و می‌گوید:

بر زلف تو ریخت شانه‌ی من رؤیا زده شد ترانه‌ی من
(عزیزی، ۱۳۷۲: ۳۴۱)

بازگو کردن خواب و وقایع آن نیز در اشعار بررسی شده از شیوه‌های نوشتن
است. گویا خواب را جلوه‌ای از آنچه قرار است اتفاق بیفتد می‌دانند. این اعتقاد
به رؤیا همان اصالت فعالیت ضمیر ناخودآگاه انسان است که در مکتب سوررئال
مطرح شده است. در شعر جنگ نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود که به خواب
یا واقعه‌ای در خواب اشاره شده و گاه بسیاری از رؤیاها در عالم واقعیت به وقوع
می‌پیوندد.

دیشب خسته و دل شکسته خوابیدم / خواب دیدم / دلم برای لمس آفتاب /
چونان نیلوفری / بر قامت نیزه پیچید / و صبح که برخاستم / پر بودم از روشنایی .
.. (هراتی، ۶۰ : ۱۳۸۸).

چرا مادر من امروز / این‌همه به آسمان شباهت دارد / و شبها خواب گل سرخ
می‌بیند (هراتی، ۱۳۶۸: ۲۵).

از ظهور آنچه در عالم خواب دیده شده، در عالم واقعیت با لفظ تعبیر خواب
یاد می‌شود:

ای ملخ در خواب تو تعبیر آب ای نگاهت خشکسال آفتاب
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۲۷)

گاه خواب در این اشعار در معنای نمادین و به معنای غفلت به کار رفته است و
گاه گریزگاهی است برای فرار از وقایع زندگی و فراموشی از آن‌ها:

ای نژاد منقرض در خواب‌ها ای تبار منجمد در آب‌ها
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۲۸)

روز زیر خواب‌ها پنهان شدن شب پر از مهتاب سرگردان شدن
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۶۰۴)

علاوه بر آنچه آمد در خواب‌نامه که یکی از آثار عزیزی است، تمام روایاتش
خواب‌گونه هستند و فضایی سوررئالیستی بر روایات آن حاکم است.

۲-۱-۳- وهم و خیال

در نظر سوررئالیست‌ها قوه‌ی تخیل به مشاهده‌ی آن بخش از ذهن و ضمیر انسان می‌پردازد که ارزنده‌تر از آن چیزی است که در عالم واقعیت مشاهده می‌شود. آنچه ظهورش محال می‌نماید در عالم خیال امکان ظهور می‌یابد. خیال آنچه را که عقل غیر ممکن می‌داند انجام می‌دهد. قوه‌ی خیال در بیشتر اشعار بررسی شده جاری و ساری است. تخیل در این اشعار به دو شکل دیده می‌شود:

۱-۲-۳- ساختن تصاویر عجیب و خیال انگیز، مانند:

سروها در ابر برمی‌خاستند سایه‌ها از قبر بر می‌خاستند

(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۷۸)

هزار آینه دیدم می‌به دستند هزاران بار بغضم را شکستند

(قزوه، ۱۳۷۶: ۳۴)

اینجا مادران از کویر می‌آیند/ اما دریا می‌زاینند/ کودکان طوفان می‌آفرینند/
دختران بهار می‌بافند و پسران برای توسعه‌ی صبح/ خورشید می‌افشانند (هراتی، ۱۳۶۸: ۵۱).

در ابیات فوق خیال‌پردازی شاعر با نسبت دادن صفات انسانی به موجودات بی‌جان، تصاویری عجیب و رؤیایی خلق می‌کند که در حیطه‌ی ادراکات حسی و منطقی انسان نیست. گاهی نیز برای ساختن تصاویر تخیلی از امور موهوم بهره می‌گیرند. اموری از قبیل روح همزاد در شعر زیر:

روح همزاد تو را خیزاب برد لاشه‌ات را کرکس تقدیر خورد

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۶۸)

گذشه از این، از واژه‌های وهم، بنگ، افیون، شیطان، دیو، عزرائیل و غیب برای ساختن تصاویر موهوم و خیالی استفاده شده است و شاعر با تصاویر وهمی و خیالی مغایر با عقل و منطق به توصیف وقایع می‌پردازد:

ناگهان وهم ندا آغاز شد از نسیم غیب درها باز شد

(صفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۳)

زندگانی آه بود آن سال‌ها روزها کوتاه بود آن سال‌ها

سال برگشت خدایان از خلأ سال تکفیر انا الحق در ملاً
سروها در ابر برمی‌خاستند سایه‌ها از قبر برمی‌خاستند
سال از تیغ نظر خونی شدن سال بَنگی سال افیونی شدن
(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۷۷)

۲-۲-۱-۳- ترکیبات وصفی و اضافی تخیلی، مانند: برفی از حریر، رودی از شیر
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۳۰)، خشکسالی آفتاب (همان: ۲۲۷)، رودی از ستاره، رودی
از شهید، درختان آبی (هراتی، ۱۳۸۸: ۹۰)، روزهای بارش ابریشم
(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۱)، و ...

۳-۱-۳- فروپاشی ابعاد

در اشعار سوررئالیستی، خیال شاعر از ابعاد طبیعی و معمول جهان
درمی‌گذرد و با ایجاد دگرگونی در
ماهیت اشکال و پدیده‌ها، رنگ، شکل، زمان، مکان، کیفیت، کمیت، نام و
کارکرد اشیا و موجودات را دگرگون می‌سازد. در ابیات زیر فروپاشی و تغییر
ماهیت در رنگ دیده می‌شود:

زاغ‌های پر طلا برگشته‌اند اطلسی‌ها اطلسی‌تر گشته‌اند
(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۲)

سبزتر از این جنگل کال/ بعد از این‌جا/ اقیانوسی است/ آبی تر از زلال
(هراتی، ۱۳۸۸: ۸۹)

جابه‌جایی نقش و کارکرد پدیده‌ها و گاه کاربرد عکس، از امور خلاف عادت و
تغییر و دگرگونی در بعد نقش و کارکرد پدیده‌ها از دیگر نمودهای فروپاشی
ابعاد است. در اشعار سوررئالیستی مقاومت، موارد بسیاری از تصویرسازی‌هایی
دیده می‌شود که شاعر با برهم زدن روابط شناخته شده و عادی و معمول و با
برداشتن مرز میان پدیده‌ها تازگی و زیبایی در کلام ایجاد کرده است. در بیت
زیر با تغییر کارکرد، نقش بریدن از شمشیر گرفته می‌شود و در جایگاه معلول
فعل بریدن قرار می‌گیرد. در بیت دیگر شاعر به جای طلب استجاب دعا، از
خدا می‌خواهد که برای او دعا کند:

ز سامان شهادت آب دادیم نمی‌برد کسی شمشیر ما را
(عزیزی، ۱۳۶۸: ۷۲)

دعا کن یک سحر در خود برویم بگویم آنچه را باید بگویم
(قزوه، ۱۳۷۶: ۹)

پنجره‌ی چشم‌هامان را می‌گشاییم با قلب‌هامان نگاه می‌کنیم
(هراتی، ۱۳۶۷: ۵۱)

این تغییر و دگرگونی در بعد کمیّت، کیفیت و حجم هم دیده می‌شود:

این پهلوان که بود/ از خون بسته به دنیا آمد/ در خون باز/ در خون جاری خود
می‌رود/ تکثیر می‌شود/ هر تن/ هزار تن/ هفتاد تن/ هفتاد هزار تن ...
(صفرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

گل مثل دل سکینه، تنگ است چندی است پی مدینه تنگ است
(عزیزی، ۱۳۷۲: ۵۱۱)

و نیز کاربرد چندین چشم به عنوان واحد سنجش مواردی از فروپاشی ابعاد
است:

و زمین را مرور می‌کنیم/ به اندازه‌ی چندین چشم/ معجزه می‌بینیم...
(هراتی، ۱۳۸۸: ۶۴)

۳-۲- تصاویر سوررئالیستی

یکی از ویژگی‌های خاص اشعار سوررئالیستی متفاوت بودن نوع تصاویر آن است. در شعر سوررئالیستی، تصویرها ابتکاری و بی‌سابقه‌اند و از طریق مقایسه به دست نمی‌آیند؛ بلکه از همنشینی اجزای کلام، تصویر به دست می‌آید. هر چقدر این تصاویر از نظر عقلی غیر ممکن‌تر باشند دارای قدرت بیشتری هستند. در این ترکیبات نوعی تجربه بیان می‌شود که در جای دیگر نمی‌توان آن را به دست آورد و قدرت اثرگذاری ترکیب دو امر دور از هم بسیار بیشتر از مقایسه‌ی دو امر مشابه است. این تصاویر که اتفاقی ساخته می‌شوند از نظر زیبایی‌شناسی بسیار دارای ارزش هستند؛ زیرا فهم معانی و کاربرد آن در زبان معمول منوط به درک روابط متناقض آن‌هاست و نیازمند زمان زیادی است. در اغلب این

تصاویر با بهره گرفتن از نیروی وهم و تخیل، امور انتزاعی به شکل امور عینی ظاهر می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی این تصاویر غرابت، اعجاب‌انگیزی و غافلگیرکنندگی است.

در اشعار زیر تصاویر از سنت و روش معمول زبان درگذشته‌اند و به اعماق ناشناخته هستی و آدمی دست یافته‌اند:

شبی که یوسفم یاد از وطن کرد نگاهم بوی پیراهن به تن کرد
(قزوه، ۱۳۷۶: ۳۵)

دیر شد آینه‌ی من خیس شد زیر باران روح من تندیس شد
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۸۱)

وظیفه‌ی این تصاویر کشف مجهولات ناخودآگاه آدمی و رویارویی آن با خودآگاه بشر، باروری زبان، برهم زدن عادت‌ها و آزادی تخیل است. برخی تصاویر آفریننده‌ی محالات و بر هم زنده‌ی نظام‌های عقلی و منطقی هستند که با ایجاد شگفتی و اعجاب و جدایی از دنیای واقعی علاوه بر بیان مقصود ایجاد هیجان و شادمانی در مخاطب می‌کند:

هزار آینه دیدم می به دستند هزاران بار بغضم را شکستند
(قزوه، ۱۳۷۶: ۳۴)

برای دنیایی که با «والیوم» به خواب می‌رود/ و در مه غلیظی از نسیان/ دست و پا می‌زند/ دنیایی که چند صد سال پیش/ قلب خود را/ در سطل زباله‌ی «کاپیتالیسم» قی کرده است ... (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۵)

تصاویر فوق به دلیل خلاف عادت بودن درک تازه‌ای از وقایع به دست می‌دهند. آنچه اشعار مورد بحث را از سایر اشعار جنگ متمایز می‌سازد؛ تازگی تصاویر و ترکیبات است که مسائل مربوط به جنگ و تبعات آن را با زبانی نو به تصویر می‌کشد. در این اشعار، شاعران از چند طریق به ساخت تصاویر سوررئالیستی پرداخته‌اند:

۱-۲-۳- ترکیبات وصفی و اضافی جدید که کاربرد آن‌ها سابقه‌ای در ادبیات ما ندارد؛ نظیر رفتن زخم زمین، روزهای بارش ابریشم، خشکسالی آفتاب،، قاره‌ی مالاریا، چشم ابر گرازها، خوشبوتر از خورشید، هفت شین و...

۳-۲-۲- ترکیباتی که با همنشینی امور انتزاعی و امور عینی ساخته شده‌اند، مانند: سرفه‌ی غربت، آواز بی لک، زخم سرخ خانگی، زخم خدا، صدای آفتابی، بوی آبسالی، سلطه‌دان جهل، ابر نم نم و ...

۳-۲-۳- توصیفات، تشبیهات و استعاره‌های عجیب که درک معنای آن‌ها نیاز به اندیشه دارد؛ از جمله: تندیس شعر، بوی گیج آسفالت، کفتر بازان سیاست پیشه، صدای شکوفه در دل آب، ریختن ترانه در جیب، گل دادن تابوت، سوره‌ی خم، سوره‌ی می و ...

کسی که با جنون پیمان‌می‌زد / شلال نخل‌ها را شانه می‌زد
(قزوه، ۱۳۷۶: ۲۳)

۳-۲-۴- نمادین بودن بیان و بهره‌گرفتن از معانی نمادین واژه‌ها و کاربرد نمادهای غیرمعمول و غریب، نظیر: شاپرک، خفاش، طوفان، مرگ، درخت، آفتاب، می، مرداب، باران، نسیم، خوک، بهار، باغ، زیتون، رنگ آبی، شقایق، لاله، خواب، بیداری، روز، باران، دریا و ...، که در بیشتر موارد ذکر شده، عناصر طبیعت در معنای غیر واقعی و نمادین خود به کار رفته‌اند:

دلواپس آفتاب‌اند انگار / پنجره‌های مغموم به قاب اندر / هیچ خفاشی / قلمرو آفتاب را در نمی‌وردد / جز به سرانجامی بد / حال آنکه روشن است / آفتاب / درخشش محتومی است / در این کرانه / که هیچ خانه / بی‌شهید نمانده است
(هراتی، ۱۳۸۸: ۵۶)

۳-۲-۵- ترکیبات و توصیفات متناقض که از بارزترین ویژگی‌های مکتب سوررئالیسم است. در اشعار مورد بحث نیز ترکیب امور متناقض و اتحاد ضدین به وفور دیده می‌شود. دلیل بهره‌گیری زیاد شاعران از این عنصر سوررئال، رؤیاگونگی ادراک و وهمی بودن آن در این اتصال‌هاست. با الحاق دو واقعیت دور از هم تصاویری قوی ساخته می‌شود که جرقه‌ای است در جهت آشکار ساختن مجهولات. شاعرانه‌ترین تصاویر در همین تناقض‌ها دیده می‌شود، مثلاً در مثال‌های زیر شاهد اجتماع عناصر متضاد هستیم که نتیجه‌ی آشتی اضداد ابعاد و کیفیات ظاهری عناصر رنگ می‌بازد و مفهومی نو با تصویری رؤیاگونه خلق می‌شود:

دلم سرگرم کار هیچ کاری امان از این پریشان روزگاری
(قزوه، ۱۳۷۶: ۹)

شدم دلخسته از نازک خیالی به فریادم رس ای آشفته حالی
(همان: ۱۵)

نور چون ابری به ایوان آمده شادی روح شهیدان آمده
(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۸)

ای ازدحام درد/ جان من از بی دردی/ درد می‌کند (هراتی، ۱۳۸۸: ۵۰)

۳-۲-۶- تصاویر خلاف عادت و بر هم زنده‌ی نظام‌های عقلی و منطقی و یا تصاویر ساخته شده با امور غیر ممکن و دست نیافتنی از قبیل مفاهیم رقصیدن در نماز، بازکردن گره گردباد و برای هواخوری به جبهه رفتن، که از نظر عقل و منطق بعید می‌نماید:

می‌ای تا بگذرم از هر چه هستی برقصم در نماز شور و مستی
(قزوه، ۱۳۷۶: ۱۰)

بیا برای هواخوری/ به جنگل‌های مجاور جبهه پناه ببریم (هراتی، ۱۳۸۸: ۶۵) / و روز چنان است/ که می‌توانی همه جا را ببینی/ و همه‌ی صداها را بشنوی
(همان: ۶۲)

و یا تصاویری غیر ممکن که با ورود به مرزهای غیر معهود ساخته شده‌اند. تصاویری چون: سایه بر خورشید افکندن و خدا را در خون دیدن:

خوشا آنان که چرخیدند در خون خدا را ناگهان دیدند در خون
(قزوه، ۱۳۷۶: ۲۶)

همه افکنده بر خورشید سایه خدا مردان «مصباح الهدایه»
(همان: ۲۰)

۳-۲-۷- همجواری واژه‌ها:

من شیعیه‌ی شعله‌ی نگاهم من منتظر خروج آهم
(عزیزی، ۱۳۷۲: ۳۴۲)

هر نفر یک سینه‌ی صد چاک داشت هر کسی یک ساک در ساواک داشت
(همان: ۶۷۸)

مگر قرار نیست او نقش رنج را / از آرنجمن پاک کند (هراتی، ۱۳۸۸: ۸۰).
در این چمن نپرسند از حسن و قبح، کسی

بلبل ز شاخه‌ی گل زاغ از زغن برآید
(عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)

۳-۳- عشق و جنون و مستی

ماهیت سوررئال عصیان است علیه قواعد پذیرفته شده‌ی جامعه. این عصیان در آثار ادبی نیز وجود دارد. در سوررئالیسم هر چیزی که زاده‌ی آزادی ذهن و ضمیر انسان باشد و از نظارت عقل و منطق رها شود اهمیت دارد. در سوررئال عشق نیز یادآور رؤیا و الهام و وسیله‌ای برای رسیدن به آزادی بیشتر ذهن انسان است. عشق سوررئالی عشقی غیر طبیعی و متعالی است که الهام برتر را در خود نهفته دارد. عشقی که هیجان و زیبایی تشنج‌آور را با خود به همراه دارد. هیجان حاصل از عشق سوررئالیست‌ها معادل تجربه‌های عرفانی ادبیات فارسی است. این عشق دیوانه‌وار در اشعار جنگ با دو تعبیر عشق به وطن و عشق به خدا تجلی یافته است. عشقی که با تکانه‌های روحی همراه است و تأثیری شگرف بر تفکر، زندگی و سرنوشت انسان دارد. جنون و رها شدن از محدوده‌ی عقل و منطق از وقایع توجه به عالم درون است که در اشعار عرفانی دفاع مقدس مقدمه‌ی دست‌یابی به معرفت الهی است. عشق و جنون حاصل حیرت است. حیرتی که در اثر رهایی به عالم غیب حاصل می‌شود، عالمی که با عادت‌های عالم مادی تناسبی ندارد برای دستیابی به حقیقت درونی می‌بایست از قید و بندهای مادی گذشت:

ناگهان وهم ندا آغاز شد از نسیم غیب درها باز شد
آه حیرانی جنون می‌آورد باد از شب، بوی خون می‌آورد
(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۳)

تأثیر دست‌یابی به جهان نامتعارف در عالم طبیعت، با تصاویری بیان می‌شود که نشانه‌ی ورود شاعر به مرزهای جدیدی است که با عادات ما تناسب ندارد. نشانه‌هایی از جهان مورد نظر شاعر شگفتی خواننده را برمی‌انگیزد:

کوچه‌ها از خویش بیرون رفته‌اند
 باد تا ویرانی بید آمده
 خانه‌ها تا خطه‌ی خون رفته‌اند
 باد انگاری میان کوچه مست
 آب تا زانوی خورشید آمده
 می‌برد نعش شهیدی روی دست
 میوه‌ی الله اکبر می‌دهد
 تندر تکبیر را آتش زدند
 عاشقان بر شعله سرکش زدند
 (همان : ۱۴)

عشق، عشقی معنوی است که در نتیجه‌ی سیر در آفاق انفس است. عشقی که با طلب، مستی و جنون همراه است و حاصل معرفتی است که به نگرش و عملکرد آنان جهت می‌دهد و انسان را تا حد عرفان پیش می‌برد. شاعر آنچه را باعث بریدن از عالم طبیعت و رسیدن به شور و مستی می‌شود، «می» می‌نامد. جنون حاصل از این «می» رها شدن از خویش و سرشار شدن از نور یقین را در پی دارد. این «می» همان قدرت ماوراء طبیعی است که در نظر سوررئال‌ها انسان را به عالم وهم و خیال پیوند می‌دهد و از عالم محسوسات و معقولات جدا می‌کند. «می» ای با صفاتی عجیب و خارج از قوه‌ی درک انسان:

می‌ای خواهم که باشد نغمه‌ی او
 می‌ای تا زیر و رو سازد دلم را
 هو العشق و هو الحق و هو الهو
 به شط آتش اندازد دلم را
 می‌ای تا بگذرم از هر چه هستی
 برقصم در نماز شور و مستی
 دعا کن آتش می در بگیرد
 جنون جان مرا در بر بگیرد
 مرا زندان تن کرده‌ست دلریش
 جنون کو تا مرا برهاند از خویش
 شکست افتاده در سقف و ستونم
 کجایی ای جنونم ای جنونم؟
 (قزوه، ۱۳۷۶: ۱۰-۱۱)

۳-۴- نگارش خودکار

«نگارش خودکار به معنای رهایی ذهن از قید عقل و منطق و قواعد ادبی است و نوشتن آنچه در ضمیر ناخودآگاه می‌گذرد» (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۵۲).
 آب و گل وجود جنایتکاران/ عجین زمین است/ عجین زمین/ مهار خواب و خوراک/ و ما گیاه سبز بهارانیم/ و اشتهای کور شتر ما را می‌بلعد/ و آن شتر

تاریخی/ شاید که در هجوم سیل بمیرد/ شاید که در حمایت شیطان باشد/
باران دارد بلند می‌بارد و... (صفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

نگارش اتوماتیک در حقیقت آزادسازی نیروی خیال است. کلامی بدون اختیار و منافی قواعد سخن است. تخیل سوررئالیستی علاوه بر تغییر در نحوه‌ی ساخت تصاویر، فرم و ساختار شعر را نیز در هم می‌ریزد. در اغلب اشعار مبنای پژوهش پیش رو در سایه‌ی بهره‌مندی شعرا از قالب نو و آزادی از قوالب و سنت‌های دست و پاگیر گذشته، علاوه بر تخیلی بودن تصاویر که اساس شعر سوررئالیستی است، تغییر و تلاشی ساختار و فرم شعر هم مشهود است:

یک سیب از درخت می‌افتد/ یک اتفاق/ در شرف وقوع است/ تو نیستی/ لبخند نیست/ پنجره تنه‌است/ من دلتنگم/ فکر می‌کنم تو هم پرنده شده‌ای/ اگر نه/ چرا مادر امروز/ این همه به آسمان شباهت دارد/ و شب‌ها خواب گل سرخ می‌بیند (قزوه، ۲۵: ۱۳۶۸).

در اشعار فوق عناصر انتزاعی ذهن خواننده را از محدوده‌ی جهان عینی دور می‌کند و با ایجاد اخلال در ادراک حسی، دست به ساخت تصاویر تخیلی می‌زند.

۳-۵- طنز

ناکامی‌ها و شکست‌های بسیاری که در طول حیات بشر وجود دارد باعث می‌شود که شاعر برای رهایی از اندوه، وقایع تلخ را به اعماق ضمیر ناخودآگاه براند و آن‌ها را از راهی دیگر و با تغییر شکل در قالب طنز و شوخی و رؤیا بنمایاند. طنزی که در حقیقت نوعی مقابله است. سوررئالیست‌ها برای پشت پا زدن به ظواهر و به قصد نشان دادن بی‌اعتنایی خود نسبت به مسائل واقعی پیرامونشان و بی‌ارزش دانستن آن‌ها به طنز روی می‌آورند. همین امر باعث می‌شود که با رهایی از جنبه‌های مادی زندگی با رویه‌ی دیگر وقایع مواجه شوند و به فراواقعیت برسند. شاعر با استفاده از کنایه، ایهام، تضاد، اجتماع نقیضین و پاسخ‌های غیرمنتظره به آفرینش طنز می‌پردازد و با ایجاد اعجاب و شگفتی در خواننده باروری تخیل را محقق می‌سازد.

در اشعار جنگ طنزهای بسیاری دیده می‌شود که شاعران از آن‌ها برای بیان بهتر مفاهیم اعتراض، مخالفت و آگاه کردن جامعه بهره برده‌اند. هراتی با استفاده از طنز، مبارزه و مخالفت خود را با سلطه‌جویی و دخالت آمریکا در امور داخلی کشورها بیان می‌کند:

دست مریزاد/ به لبنان فرصت دادند/ تا کشته‌هایش را دفن کند/ و صنعت مونتاژ را/ و روشن فکر مونتاژ را/ به رسم یادگاری/ به جهان سوم/ بخشیدند/ که: «طمع را نباید که چندان کنی»/ وگرنه/ هر چه دیدی/ از چشم خودت دیدی/ لطفاً لطفتان را/ به نفتالین بیالایید/ و در جای خشک و خنک نگهداری کنید (هراتی، ۱۳۸۸: ۷۰).

در ابیات زیر، صفارزاده با بهره گرفتن از کنایه و تضاد و اجتماع ضدین به انعکاس و مخالفت با ناگواری‌ها و تهدیدهای جامعه می‌پردازد. شاعر در عالم سوررئالیستی خود سرزمینش را آباد تصور کرده است؛ اما آنچه برمی‌شمرد نشان از ناآبادانی و نابسامانی جامعه است:

ملک از جمیع جهات آباد است/ آباد از تدارک مرگ‌آوران/ تفنگ/ تانک/ زره‌پوش/ خطوط ارتباطی خدعه/ زور و مسلسل و سرنیزه/ در هر سوی بلاد پیاخیزان/ در هر سوی بلاد ملت ایمان/ و چارسوی بسته میدان/ میدان دام/ در خون ستاده‌اند/ تل‌های سربلند شهادت/ تل‌های بیشمار شهیدان... (صفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

هراتی درک خردمندانه‌ای از وقایع روزگارش را با رنج آمیخته با طنز به تصویر می‌کشد تا علاوه بر ایجاد پویایی در اندیشه‌ی مخاطب در وی ایجاد آگاهی و بیداری کند:

ماهواره‌های دروغ‌پرداز/ در سیاست دخالت می‌کنند/ اگر چه هوای جهان طوفانی است/ سازمان هواشناسی/ همیشه گزارش معتدل به دنیا می‌دهد/ و خواب خوشی را برای شنوندگان عزیز آرزو می‌کند (هراتی، ۱۳۸۸: ۶۸).

۳-۶- اشیا و پدیده‌های سوررئالیستی

اشیای پیرامون ما دارای مفاهیم و ویژگی‌های شناخته شده‌ای هستند. کاربرد اشیا در جایی که کاملاً با آن‌ها بی‌تناسب است و یا نسبت دادن اموری که در عالم واقع امکان ظهور ندارد و ساخت اشیا و اموری که در خواب دیده شده، از دخل و تصرف‌های سوررئالیست‌ها در نظم ظاهری اشیا است. شاعر سوررئال با خارج کردن اشیا از صورت متداول و معمول علاوه بر بخشیدن معنا و مفهومی فراتر از واقعیت به آن‌ها و آشکار کردن کیفیت مرموزشان، تصویر ذهنی جدیدی خلق می‌کند که اعجاب و شگفتی اشیا را نمایان می‌کند؛ مثلاً شعار نوشتن شب بر روی دیوار، بغض کردن رود و بهت و حیرت کوه، خزیدن عشق بر زمین و دعای مجیر خواندن جیرجیرک‌ها صفات و افعالی است که بر خلاف کیفیت متعارف این اشیا و موجودات بدان‌ها نسبت داده شده و آن‌ها را تبدیل به اشیای سوررئالیستی کرده است:

کوچه هر شب در غبار انتظار می‌نویسد بر جدار شب شعار

(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۴)

در نگر بر بهت کوه و بغض رود بهمن تاریخ می‌آید فرود

(همان: ۱۵)

وه چه طوفان‌های سرخی می‌وزد عشق در سطح خیابان می‌خزد

(همان)

می‌شود هر نیمه شب در زیر بند یا مجیر جیرجیرک‌ها بلند

(همان: ۱۲)

و یا می‌خارج از آبگینه در عالم ماده وجود ندارد بلکه این ذهن خلاق شاعر است که به آن وجود و معنا بخشیده است:

می‌ای بیرون ز قید آبگینه ز شیرینی چو خرما می‌مدینه

(قزوه، ۱۳۷۶: ۱۴)

جنون شب نیز جز در عالم خیال و با کاربرد استعاره آن امکان‌پذیر نیست:

کجایی ای شب مجنون کجایی گل افشان خدا و خون کجایی

(همان: ۲۱)

۳-۷- غم و اندوه و یأس و ناامیدی

جریان فکری سوررئالیسم در ادامه‌ی مکتب داداییسم که مکتبی پوچ‌گرایانه و هیچ‌انگار بود، به وجود آمد. این مکتب در حقیقت واکنشی بود در برابر پیامدهای جنگ جهانی اول در اروپا و به تبع آن راهی بود برابر بازتاب آثار و تبعات ناگوار جنگ. از این رو غم و اندوه بر بیشتر آثار سوررئالیسم سایه افکنده است. هم‌چنین به سبب سیطره‌ی نهیلیسم بر تفکر غربی، آثار سوررئالیستی با رنگ نیست‌انگارانه و یأس‌آلود همراه است.

اشعار جنگ نیز بازتابی از شکایت از وقایع زندگی و غم و اندوه حاصل از بروز جنگ، تبعات و زیان‌های ناشی از آن، از دست دادن عزیزان، ویرانی کشور، اتحاد کشورهای قدرتمند در جهت از پای درآوردن مقاومت ایرانیان، فراموشی رنج‌ها و تلاش مجاهدان پس از جنگ، از یاد رفتن ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی و . . . است. این درون مایه در اغلب اشعار مربوط به جنگ تحمیلی دیده می‌شود؛ اما غم و اندوه چیره بر اشعار جنگ به دور از حس پوچ‌گرایی است:

ما ز صحرایی که خون گشت آمدیم	ما ز قربانگاه سردشت آمدیم
شهر ما از حجله‌ی اکبر پر است	از صدای ضجه‌ی اصغر پر است
اصغر بغض پرستاران شده	اصغر در خواب بمباران شده
اصغر مخلوط آهن‌پاره‌ها	اصغر چسبیده بر دیواره‌ها
اصغر رؤیت ز دمپایی شده	اصغر از مو شناسایی شده
شهر ما از مشت و از نفرین پر است	شهر ما از کاشی خونین پر است
از شقایق‌های قیچی تا کمر	لاله‌های سرخ مفقودالآثر

(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۳۱)

در شعر زیر سلمان هراتی علاوه بر شکایت از فراموشی ارزش‌ها یأس و ناامیدی را نیز به تصویر کشیده است:

در کوچه‌های بن بست/ یک ذره آفتاب به دست نمی‌آید/ و ما هر روز به انتها می‌رسیم/ و درهای عافیت باز می‌شوند/ و میز مهربانی ما را/ با یک لیوان شربت

خنک تمام می‌کند/ وقتی یک جرعه آب صلواتی/ عطش را می‌خشکاند/ دیگر به
من چه که کوکا خوشمزه‌تر از پپسی است (هراتی، ۱۳۸۸: ۶۵).
چقدر صداقت نیست/ چقدر شقایق‌ها را ندیده می‌گیریم/ حس می‌کنم سرم
سنگین است (همان: ۶۷).
شاهدم من چشم پر خون تو را کاروان اشک کارون تو را
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۲۷)

۳-۸- حسرت و حیرت

تحیر از شگفتی‌ها و غریب دیدن هستی از اصول سوررئالیسم است. در مقام
تحیر علت و اسباب دیده نمی‌شود و حواس ظاهری رنگ می‌بازند. حیرت و
شگفتی از سرچشمه‌های اصلی احساس زیبایی و هیجان است. تصاویر ادبی
سوررئالیستی با ایجاد هیجان و شگفتی به نیاز انسان تشنه نوجویی و امور
شگفت پاسخ می‌دهد.

در بررسی آثار مبنای این پژوهش، واژه‌ی تحیر و حیرت که کاربرد بسیاری
نیز دارد، به معنای شگفتی از امور ظاهری نیست. حیرت در این آثار رنگ و
بوی عرفانی دارد. حیرت در اثر جنون، تجلی نور حق، تجلی رحمت الهی،
سرکشیدن رطل گران و مسائلی از این دست حاصل می‌شود:
همه حیران چو موساییم در طور تجلی کن شبی یا نو یا نور
(قزوه، ۱۳۷۶: ۸)

ای ماهی سرگشته‌ی دریای تحیر در بحر نهنگان که تو را گفت شناکن
(عزیزی، ۱۳۸۶: ۲۳۹)

ای جنون این عرصه‌های حیرت حضرت عباس یعنی غیرتت
(عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۴۶)

و گاه حیرت باعث جنون و ترک عقل می‌شود. باید عقل ظاهرین و سبب
شناس را یک سو نهاد تا به حقایقی نو و خارج از جهان واقعی دست یافت.
حقایقی که با تصاویری خیالی بیان می‌شوند:

آه حیرانی جنون می‌آورد باد از شب بوی خون می‌آورد
(عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۳)

۳-۹- ابهام در زمان و مکان

ساخت‌شکنی در زمان و مکان و یا ابهام زمان و مکان از ویژگی‌های مهم سوررئال است. ساخت‌شکنی در زمان و مکان باعث می‌شود محدودیت زمانی و مکانی حذف شود و زمان و مکان به سوی بی‌نهایت سوق پیدا کند و از این رهگذر تصاویری ازلی و ابدی ترسیم شود.

واژه‌ها و ترکیبات دالّ بر زمان و مکان در شعر جنگ به یکی از گونه‌های زیر مشهوداست:

۳-۹-۱- مکان‌ها و زمان‌های مقدس، نظیر: راه کربلا، کلیسا، صحن دین، کوه حرا و ...

۳-۹-۲- مکان‌ها و زمان‌هایی که شناسه‌ی خاصی ندارند و در مفهوم عام به کار رفته‌اند، مانند: بوستان، چمن، افلاک، صبح، شب، جبهه، سنگر، کویر، آسمان و ...

چندین تابستان است/ که در خون و آفتاب می‌رقصی (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۲)
۳-۹-۳- فضاها و زمان‌هایی که بر مبنای ساختار عقیدتی و مذهبی مطرح شده و کاربرد دارند؛ از جمله غیب، آخرت، ملکوت، دوزخ، بهشت، عرش، معراج، قیامت، محشر، معاد.

۳-۹-۴- زمان‌ها و مکان‌های نامتناهی و ناشناخته مانند: روز ازل، ابد، عدم و ..

۳-۹-۵- واژه‌هایی که با وجود دلالت بر زمان و مکان، مفهوم بی‌زمانی و بی‌مکانی را به ذهن می‌رسانند و معنای واقعی آن‌ها مورد نظر نیست و گاه ترکیبی از جمع اضداد هستند. کلمات و ترکیباتی، نظیر: هیچ کجای دور از دست، در دشت دور، زیر وهم، آغازی که انجامی ندارد، صبحی که شامی ندارد، همیشه‌ای از بهار، آن سوی قلمرو چشمهامان، پشت غروب‌های روستا و ..

به پایان آمد اندک این شب به آغازم رسان «یارب یارب»
به آغازی که انجامی ندارد که صبحش تا ابد شامی ندارد
(قزوه، ۱۳۷۶: ۳۹)

۳-۹-۶- زمان‌ها و مکان‌های وهمی و گنگ که ساخته تخیل و ذهن شاعر است، از جمله عشرت‌کده، نابودستان، گورگاه، کوی می‌فروشان، خمخانه، خمستان، خانقاه، بتخانه، آستان بی‌زوال و ...

برج و بنای قلعه دزدان / مشرف به قوم دزد زده / مشرف به سرپناه / مشرف به زاغه / عشرت‌کده مقابل زندان / زندان مجاور نابودستان / و گورگاه صداها / حنجره‌ها ... (صفرزاده، ۱۳۸۷: ۱۹۱)

از راه خاک آمده‌ای / از راه خون / از ابتدای روز جدال / از ابتدای جاده تابوت... (صفرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

۳-۱۰- مهم‌ترین تفاوت‌های شعر جنگ و اشعار سوررئالیستی غربی

با توجه به ارتباط هم زمان و دو سویه‌ی تأثیر و تأثرات عوامل اجتماعی و ادبیات هر جامعه‌ای، عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی که جامعه را دست‌خوش تغییر و دگرگونی و حرکت به سوی ناامنی می‌کند، می‌تواند در شکل‌گیری مکاتب ادبی و شیوه‌های بیان مؤثر باشد. ظهور مکتب سوررئالیسم در برابر علم‌گرایی مطلق، فلسفه‌گرایی و جنگ جهانی اروپا، نشانه‌ی تبعیت این مکتب از شرایط اجتماعی خود است. اوضاع اجتماعی دوره‌ی سوررئالیسم از لحاظ نابسامانی‌های اقتصادی، ناکارآمدی کلیسا و مسیحیت و آشفتگی‌های حاصل از جنگ جهانی، شباهت‌هایی با دوره‌ی شکل‌گیری شعر دفاع مقدس دارد؛ اما این دو گونه شعر و ادبیات از لحاظ اهداف اصلی، نتایج و دوام و ماندگاری تفاوت‌های اساسی دارند. اساس تفاوت‌های شعر جنگ و شعر سوررئالیستی غربی مربوط به مبانی اعتقادی آن‌هاست.

اصولی که شعر جنگ بدان‌ها رجوع می‌کند انسان را متوجه اعتقادات اصیل و قوی دینی و توجه به دینداری می‌کند. این عقاید انسان را به سمت اهدافی متعالی سوق می‌دهد و جهت‌دهنده‌ی حرکت انسان و نیروهای درونی او به سوی خداست؛ در حالی که سوررئالیسم با جدایی از کلیسا، بی‌اعتقادی را مبنای کار خود قرار داده بود و تنها در پی رسیدن به ناخودآگاه بشری بود. سوررئالیست‌ها خدا را به عنوان حقیقت برتر انکار می‌کردند و نگرشی مادی به

جهان داشتند. نتایج مورد نظر شاعران جنگ، پاسداری از عقاید دینی، بارور کردن اندیشه‌های اعتقادی و ایجاد آگاهی در جامعه به منظور بهبود زندگی مردم، دوری جستن از پذیرش ظلم و استبداد و یادآوری ارزش‌های اخلاقی و مقاومت در برابر ظلم است؛ اما مکتب سوررئالیسم به دلیل اتکای مطلق به جنبه‌های فراواقعیتی و ناخودآگاه ذهن بشر، نتوانست به زندگی واقعی مردم ورود یابد و فقط در آثار هنری و ادبی بازتاب یافت.

از نگاه این مکتب «شاعر انسانی است ماتریالیست» (هنرمندی، ۱۳۵۰: ۵۳۳)؛ اما چنین دیدگاهی در شعر ایرانی خاصه در شعر جنگ دیده نمی‌شود و ماتریالیست بودن انسان مورد نکوهش قرار می‌گیرد و جز این «درست بر خلاف شاعران عارف ما که بیداری را دنباله‌ی عالم رؤیا می‌دانند و در نتیجه این جهان را عالم مجاز می‌شمارند، شاعران سوررئالیست، رؤیا را دنباله‌ی بیداری می‌دانند و عقیده دارند همان فعالیت‌های ذهنی عالم بیداری در خواب نیز ادامه دارد» (همان: ۵۳۵).

هم‌چنین وجود تشابهاتی میان اشعار جنگ و آثار ادبی سوررئالیستی اروپایی به معنای همسانی بنیادین آن‌ها نیست. سوررئالیسم در جهت وارونه نشان دادن زندگی سرمایه‌داری و با هدف مخالفت با سیاست‌های ظالمانه‌ی استالینی، با فراواقع‌نمایی، نابسامانی‌های جامعه را به نمایش می‌گذارد. تأکید سوررئالیسم بر جداسدن از دنیای عقل و منطق و پناه بردن به تخیلات و جهان ناخودآگاه است، در حالی که اشعار جنگ، ترسیم دنیای واقعی انسان‌هایی است که در جهت مبارزه با ظلم و استبداد جهانی گام برمی‌دارند. بهره گرفتن از بیان و توصیفات و تصاویر سوررئالیستی در شعر جنگ که در بیشتر موارد ناآگاهانه و خودکار صورت گرفته است به منزله‌ی تبعیت شاعران جنگ از مکتب اروپایی سوررئالیسم و به منظور جدا کردن مردم از واقعیت‌ها نیست؛ بلکه ترسیم جهانی واقعی با زبانی فراواقع‌ی است.

۴- نتیجه‌گیری

با بررسی آثار و سروده‌های پنج شاعر برجسته‌ی مقاومت، ناظر وجود تشابهات صوری اشعار جنگ با اشعار سوررئالیستی و نمود برخی از ویژگی‌های مکتب سوررئالیسم در شعر جنگ بودیم. این ویژگی‌ها عبارتند از: خواب و رؤیا (که در اشعار جنگ نیز بسیاری از اتفاقات شگفت‌انگیز در خواب و یا در مرز خواب و بیداری رخ می‌دهد)، تخیل و وهم، تصاویر سوررئالیستی، عشق و جنون و مستی (با دو تعبیر عشق به وطن و عشق به خدا)، نگارش خودکار، طنز (برای بیان بهتر مفاهیم اعتراض، مخالفت و آگاه‌کردن جامعه)، اشیای سوررئالیستی، غم و اندوه و یأس و ناامیدی (که بازتابی از شکایت از وقایع زندگی و غم و اندوه حاصل از بروز جنگ، تبعات و زیان‌های ناشی از آن و از دست دادن عزیزان و ویرانی کشور است)، حسرت و حیرت، ابهام در زمان و مکان و فروپاشی ابعاد. با این وجود، نمود ویژگی‌های سوررئالیستی در شعر جنگ که در بیشتر موارد ناآگاهانه و خودکار صورت گرفته است، به منظور پذیرش و پیروی شاعران جنگ از این مکتب و به منظور جدا کردن مردم از واقعیت‌ها نیست؛ بلکه ترسیم جهانی واقعی است با زبانی فراواقعی.

منابع و مأخذ:

- اسماعیلی، عصمت؛ علی مددی، منا (۱۳۸۵) «سوررئالیسم و مقالات شمس تبریزی»، نشریه‌ی حافظ، نیمه‌ی دوم مرداد، شماره‌ی ۳۳، ص ۵۸-۵۰.
- امین پور، قیصر (۱۳۹۰) به قول پرستو، چاپ هشتم، تهران: شفق.
- _____ (۱۳۹۲) آینه‌های ناگهان، چاپ نوزدهم، تهران: افق.
- ثروت، منصور (۱۳۸۵) آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران: سخن.
- حسنی، _ (۱۳۷۴) «سوررئالیسم در ایران»، نشریه‌ی هنر، تابستان و پاییز، شماره‌ی ۲۹، ص ۵۳۹-۵۵۰.
- داد، سیما (۱۳۷۱) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.

- سیدحسینی، رضا (۱۳۷۴) «مدخلی بر فلسفه سوررئالیسم»، *نشریه‌ی هنر، تابستان و پاییز*، شماره‌ی ۲۹، ص ۶۷-۷۶.
- سید حسینی، رضا (۱۳۸۴) *مکتب‌های ادبی*، جلد دوم، تهران: نگاه.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۳) *شعر در هدایت اندیشه*، تهران: نزدیک.
- _____ (۱۳۸۷) *طنین بیداری*، تهران: تکا.
- عزیزی، احمد (۱۳۶۸) *دری به خانه خورشید*، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۶۹) *کفش‌های مکاشفه*، تهران: الهدی.
- _____ (۱۳۷۲) *ملکوت تکلم*، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۲) *شب‌نم‌های شبانه*، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی اب‌صالح.
- _____ (۱۳۸۶) *قوس غزل*، تهران: نیستان.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵) *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- قزوه، علیرضا (۱۳۷۶) *این همه یوسف*، تهران: کنگره‌ی بزرگداشت سرداران شهید سپاه.
- _____ (۱۳۸۴) *روایت چهاردهم*، تهران: لوح زرین.
- مشتاق مهر، رحمان؛ دستمالچی، ویداد (۱۳۸۹) «عرفان و سوررئالیسم از منظر بسترهای اجتماعی»، *مطالعات عرفانی*، دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه کاشان، شماره‌ی دوازدهم، پاییز و زمستان، ص ۱۸۳-۲۰۰.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۸) *از آسمان سبز*، تهران: سوره‌ی مهر.
- هنرمندی، حسن (۱۳۵۰) *بنیاد شعر نو در فرانسه*، تهران: زوآر.